

چگونه مردم به پای صندوق رأی می‌آیند؟



کیومرث اشتریان

کشاندن مردم به پای صندوق رأی وظیفه احزاب است نه حاکمیت. چرا باید کل حاکمیت خود را خرج دعوای سانا، مانا، پانا، جانا و... کند؟ مردم در صورتی به پای صندوق می‌آیند که احساس کنند رأی آنان معنایی دارد. چرا باید امنیت ملی خرج شماری اندک از آدمیان شود که نیازمند الفبای درس سیاست هستند؟

کسانی که در پشت صحنه، گرداننده فضای سیاسی بوده‌اند و کشور را به جایی رسانده‌اند که ۱۴ نماینده اول آن در تهران با کمتر از پنج درصد از واجدان شرایط به مجلس بروند، الحق که شایسته جایزه ویژه! سیاسی‌اند.

اینکه در روزهای پایانی منتهی به روز انتخابات، امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی همه نظام سیاسی را برای بسیج و تهییج مردم به کار ببریم تا مردمان پای صندوق رأی ببینند، نسخه‌ای منسوخ است. شرکت در انتخابات یک فرایند است. یک تاریخچه دارد. یک محتوا دارد. یک معنا دارد. مشارکت پیامد شماری از عوامل است که در طول زمان رخ داده‌اند. اقبال به صندوق، در نتیجه تحلیل آدمیان از این امر است که آیا اساسا

رأی‌دادن تأثیر دارد یا خیر؟

اینکه مدت‌زمان طولانی با تحزب بجنکید و انتظار داشته باشید در آخرین لحظات و آخرین روزهای نزدیک به انتخابات با رویکردی توده‌ای، مردم را به پای صندوق بکشانید، خیالی واهی است. این، احزاب سیاسی‌اند که زندگی سیاسی را معنادار می‌کنند و مبارزه سیاسی، رأی‌دادن و هویت سیاسی مردمان را به تدریج متجلی می‌کنند. مسئولیت مشارکت باید با خود مردم باشد؛ و این در صورتی است که فرق و فارق‌ی در سیاست وجود داشته باشد. بالاخره مردم باید بدانند «تفاوت در چیست؟». اینکه پس از کلی دعوا و جدل، ندانم که شانا اسم یک ائتلاف است یا اسم یک خبرگزاری نفتی، یا اینکه بالاخره سر درنیاوریم که بین شانا، امانا، صبحنا، مانا، خانا، پانا و سانا اختلاف بر سر چیست، چگونه می‌توان رأی داد؟

نکته و نیاز اصلی، ضرورت دستیابی به نظم سیاسی-فکری در جامعه ایرانی است. یک جامعه سیاسی باید بتواند به هنجارهایی روشن و قابل طبقه‌بندی بر اساس مطالبات و آمال و آرزوها تقسیم‌بندی شود. درست همچون کودکی که به تدریج بزرگ می‌شود و معانی گوناگونی را تجربه می‌کند و به هویت روشنی می‌رسد. جامعه ایرانی پس از ۴۰ سال انتخابات بی‌دریی، علی‌الاصول باید به درجاتی از شفافیت خواسته‌ها و مطالبات خود نائل می‌شد و بایستی سنت‌های گوناگون سیاسی درون خویش را می‌شناخت، نه اینکه از پس سالیان، انبوهی از کاندیداهای بی‌نام‌ونشان را نماد زندگی سیاسی و سرنزدگی اجتماعی معرفی کند، یا اینکه تنها اقلیتی به نماد جامعه سیاسی ایرانی تبدیل شده باشند که حتی در درون خود نیز به هویت روشنی نرسیده باشند و فاقد نظریه روشنی برای حکمرانی و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشند.

تحزب پایدار (بر وجه پایداربودن تحزب تاکید دارم) و وجود احزاب شناسنامه‌داری که در گذر زمان به بازسازی و نوسازی فکری خود دست زده باشند و نماد تربیت سیاسی مردمان باشند، می‌تواند سنت‌های سیاسی گوناگون بیافریند و کشور را از سردرگمی سیاسی و بی‌ثباتی درآورد.

دعوت مردم به پای صندوق رأی کار احزاب و سنت‌های جدی سیاسی است، نه هر چند پدرخوانده، خواننده، هنرپیشه و ورزشکار. آنگاه که این فرصت از کشور و نظام گرفته شود، منتظر تغییری جدی در اقبال مردم به صندوق رأی نباید بود.

نه‌تنها این نشده، بلکه سرمایه سیاسی نیز تولید نشده است. پس از ۴۰ سال انتخابات بی‌دریی، هیچ هویت روشن سیاسی از درون این انبوه کاندیدا پدیدار نشده است، بلکه همان اقلیت پنج‌درصدی هم فاقد تئوری سیاسی‌اند و فعالیت‌های آنان و رقابت‌هایشان هم در حد دعواهای نازل و روزمره حیدری-نعمتی است.

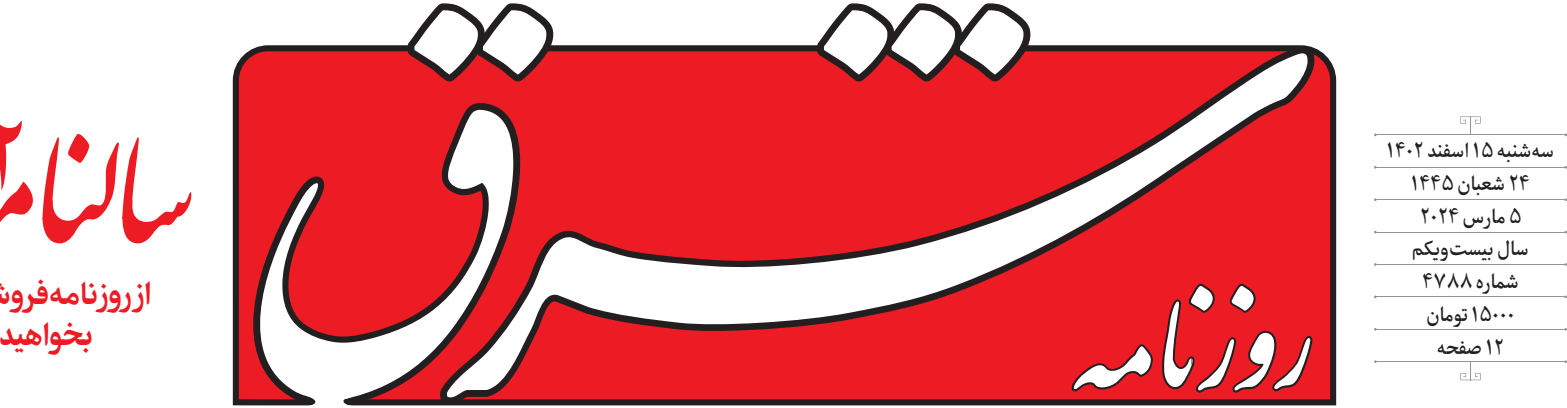
پس از سال‌ها صرف سرمایه، تبلیغ و بهره‌گشی از رسانه‌ها، پروژه‌ها، ارزش‌ها و... یک گروه موفق شده است در مرکز سیاسی کشور فقط با پنج درصد آرا به مجلس راه یابد... بنای سیاسی کشور پیچیده و مردم فرهیخته‌ای همچون ایران را نمی‌توان بر چنین بنیانی گذاشت.

<div><div>🗞️</div><div>سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲</div></div>
<div><div>📅</div><div>۲۴ شعبان ۱۴۴۵</div></div>
<div><div>📅</div><div>۵ مارس ۲۰۲۴</div></div>
<div><div>👤</div><div>سال بیست‌ویکم</div></div>
<div><div>🔢</div><div>شماره ۴۷۸۸</div></div>
<div><div>💰</div><div>۱۵۰۰۰ تومان</div></div>
<div><div>📄</div><div>۱۲ صفحه</div></div>

بخش‌هایی از سیستان وبلوچستان ایران در سیل گرفتار شده و سامانه بارشی جدیدی هم در راه این استان است

هشدار سیل جدید

صفحه ۸ را بخوانید



در «شرق» امروز می‌خوانید: نمایندگان به صحن نیامدند، مجلس تعطیل شد • نامه رئیس هیئت‌مدیره فدراسیون اقتصاد سلامت ایران به وزیر صمت؛ چالش‌های صنایع دارویی کشور

برخی کشورهای عربی یک‌بار دیگر با طرح ادعاهای پوچ، مالکیت ایران را بر یک **میدان گازی** رد کردند

چشم طمع به آرش

گزارش تیت‌ر یک را در صفحه ۴ بخوانید



عکس محمد هاشمی‌پور، فارس

یادداشت

«حل کردن» به جای «جمع کردن»



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

میلیارددلاری در ۱۱ماهه سال جاری- رئیس گمرک - ۱۰/۱۲) که نیاز شدیدی به هوای تازه و دریافت حجم عظیم سرمایه خارجی و دانش

فنی و تکنولوژی و بازارهای جهانی دارد.

یک نمونه آن حضور آقای رئیسی در اجلاس کشورهای صادرکننده گاز در الجزایر در شرایطی است که طبق گزارش اخیر صندوق توسعه ملی، کشورمان با وضعیت فعلی و نبود سرمایه‌گذاری‌های عظیم به واردکننده گاز در جهان تبدیل شده و در افاق ۱۴۲۰ باید دوسوم گاز مصرفی خود را از خارج وارد کند؛ کاری که قطری‌ها کرده و بهره‌برداری خود از میدان مشترک را تا شش سال دیگر از ۴۸۹ به حدود ۷۱۲ میلیون متر مکعب در روز افزایش خواهند داد. عقد قراردادهای کاری کشورهای ترکیه و عراق با ترکمنستان که سرمایه‌گذاری زیادی در این زمینه کرده است و نامیدشدن از ایران برای دریافت گاز، در همین سمت‌وسو است.

این فقط یک نمونه از نیازهای عظیم به سرمایه‌گذاری و مشت نمونه خروار است. جذب منابع سرمایه‌ای برای بهره‌برداری از منابع نفتی و گازی و از آن مهم‌تر تولید و صادرات فناوریانه و ساخت‌مخور علاوه بر تغییر راهبرد سیاست خارجی و گفت‌ویمان غالب بر فضای فکری تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و کنارگذاشتن به قولی کاسبان تحریم که موانع بزرگی محسوب می‌شوند، نیازمند اصلاحات ساختاری داخلی و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری از طریق به رسمیت شناختن نظام بازار و سازوکار عرضه و تقاضا در تخصیص منابع است. اینکه دولت در روندی تدریجی و طبق یک راهبرد و برنامه مشخص خود را در عرضه کالای عمومی نظیر امنیت و ثبات و آموزش



سالنامه ۱۴۰۲

از روزنامه‌فروشی‌ها
بخواهید

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از نشست فصلی شورای حکام

لحن ملایم آقای مدیرکل

۲

خانه فوتبال کم و بیش از پای‌بست ویران است

علی دایی درست می‌گوید؛ ولی...

۹

یادداشتی از داود مدیری

تلاش غریبان برای مصادره

۲۸۲ میلیارد دلار از روسیه

۵

گفت‌وگوی احمد غلامی با محمد ستاری‌فر و حجت میرزایی درباره سند چشم‌انداز بیست ساله^(۱)

توسعه راه‌طی‌شده، راه‌گمشده



یادداشت

فروکاهیدن شأن نهاد قانون‌گذار



حمیدرضا اکبریور*

بی‌شک مهم‌ترین مسئله حاکمیت در این مقطع زمانی، انتخابات مجلس شورای اسلامی و تحركات و تبلیغات حول محور آن است. در بطن آن، موضوعاتی مانند مشارکت‌کردن و مشارکت‌نکردن به صورت گسترده مطرح است و طیف‌های حامی هریک از دو رویکرد، به دفاع و تبیین از نظرات خود می‌پردازند؛ اما مسئله مهم دیگر، فارغ از این مقوله‌ها که بسیار به آن پرداخته شده است و در آینده نیز به آن پرداخته خواهد شد، موضوع فروکاهیدن شأن مجلس و نمایندگان آن از سطح ملی به سطوح منطقه‌ای و شعارهای منطبق بر آن است. این معضل با توجه به اینکه در ایران بعد از انقلاب، با تغییرات بنیادینی که ایجاد شد و قوه قانون‌گذاری با دو مجلس به یک مجلس تبدیل شد، تبعات بیشتری داشته است. درواقع نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیش‌ازاین نیز درگیر مسائل محلی و منطقه‌ای بوده‌اند و تا حدی بر مسئولیت ملی آنان خدشه وارد کرده بود؛ اما در این مقطع زمانی، رنگ و بوی قومی و منطقه‌ای انتخابات مجلس شورای اسلامی در شعارهای انتخاباتی نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی در این‌دوره و در شهرهای مختلف نگاهی گذرا شود تا نتزل شان و جایگاه نمایندگی مردم را که پیش‌ازاین نیز دچار خدشه بود، بعینه ببینیم. البته دراین‌میان، اندک نامزدهای مطرح‌کشوری یا دارای سابقه مسئولیت ملی، تا حدودی از این رقابت نتزل فاصله دارند؛ اما اکثریت نامزدهای دیگر به این ورطه خطرناک سقوط کرده‌اند. ماحصل این نتزل شأن جایگاه نمایندگی، بدون‌شک مجلسی می‌شود که درگیر با مطالبات منطقه‌ای و قومی است و چنان غرق در این موضوعات خواهد شد که رسالت اصلی و بنیادین خود را به حقایق فراموشی خواهد سپرد.

^[1] ۴ صفحه‌ای